

نمره‌ای ندادم،

اما یادگیری شکل گرفت...

من معلم پایه اول هستم. سال‌هاست هر پاییز، چشمان کنجکاو و دست‌ان کوچکی به استقبالم می‌آیند که قرار است دنیای خواندن، نوشتن و حساب را با هم کشف کنیم. اما چند سالی است که دیگر در پایان درس، عددی در دفتر نمی‌نویسم؛ دیگر خبری از «۱۷» یا «۲۰» نیست. حالا من یادگیری را با نمره نمی‌سنجم؛ یادگیری را «می‌فهمم»، «می‌بینم»، و «توصیف» می‌کنم. این روش را «ارزشیابی برای یادگیری» می‌نامند.

یادم هست روزی مادر آریا با نگرانی آمد مدرسه. می‌گفت: «خانم معلم! چرا نمره نمی‌دین؟ من از کجا بفهمم بچه‌ام خوب درس می‌خونه یا نه؟» لیخند زدم و دفتر ارزشیابی آریا را به او نشان دادم. نوشته بودم: «آریا هنگام بلندخوانی صدای حرف‌ها را درست ادا می‌کند، اما هنوز در ترکیب صامت و مصوت‌ها گاهی به راهنمایی نیاز دارد. در حل مسئله‌های عددی با تصویر پیشرفت خوبی دارد. اگر با تشویق بیشتر تمرین کند، در هفته‌های آینده به استقلال می‌رسد.» مادر آریا با تعجب گفت: «چه جالب! این خیلی بیشتر از یه نمره اطلاعات می‌ده...»

آن روز فهمیدم هنوز خیلی از اولیا نیاز دارند با این نگاه تازه آشنا شوند. نگاه ارزشیابی توصیفی، نگاه قضاوت نیست؛ نگاه رشد است. من تلاش می‌کنم هر کودک را همان‌طور که هست ببینم. اگر پارسا هنوز با شکل حرف‌ها مشکل دارد، می‌دانم باید با او بیشتر تمرین کنم، نه اینکه نمره پایین دلش را بلرزاند. در کلاس من اشتباه کردن بخشی از یادگیری است، نه نشانه شکست. وقتی علی یک بار اشتباه جمع می‌زند، به او نمی‌گویم: «غلط بود!» بلکه می‌پرسم: «فکر می‌کنی چرا این جواب رو نوشتی؟» تا خودش بفهمد و دوباره امتحان کند. و حالا بعد از گذشت چند سال، همان مادرها که ابتدا نگران بودند، با اشتیاق می‌پرسند: «خانم معلم، این هفته پسرم در کدوم بخش پیشرفت داشته؟» و این یعنی ما همه با هم یاد گرفته‌ایم: «یادگیری مهم‌تر از نمره است.»

